



ترانه‌های عامیانه فارسی

« با دقت به ترانه‌های ملی‌گوش فرا دار ، آنها سرچشمه
بی پایان قشنگترین ملودیاها می‌باشند و چشم‌های ترا به
صفات مشخصه ملل گوناگون باز می‌کنند . » **شومان**
« اندرز بوسیقی دانهای جوان »

پس از ملاحظات کلی و مقدماتی که در شماره پیش راجع به ترانه‌های
عامیانه ذکر شد ، حال بی‌مناسبت نیست که ترانه‌های عامیانه فارسی را اجمالا مورد
مطالعه قرار دهیم .

شوشکا و علم‌م‌انسانی و مطالعات فلسفی
ادبیات ، شعر و هنر در همه جای دنیا موجب ایجاد حماسه ، تراژدی ، درام ،
کمدی ، مغالزه ، افسانه ، مثل (قصه) و غیره گردیده است همه این مزایا و یا آثار آن
در ترانه‌های عامیانه وجود دارد که خود بخود یک هنر کامل میباشد - هنر مردمان
ساده و توده عوام - و موسیقی آن همیشه پایبند کلام است .

در اینجا فقط نمونه‌ای از ترانه‌های عامیانه فارسی را بطور مثال می‌آوریم .
ولی چنانکه قبلا اشاره شد ، تا کنون کمترین توجهی در گردآوری ترانه‌های عامیانه
زبان فارسی نشده ، باستثنای مختصری توسط خاورشناس مشهور : ژوکووسکی^(۱) و مختصری

(۱) مستشرق مزبور در کتاب خود موسوم به « نمونه آثار ملی ایران » مقدار زیادی از
تصنیف‌های رایج سالهای ۱۸۸۳-۱۸۸۹ (میلادی) ایران را گردآوری ننوده ، در ضمن نمونه‌هایی
از ترانه‌های ملی ایران ضبط کرده است .

در رسالهٔ موسوم به « اوسانه » (ترانه های اخیر را مستشرق سرشناس آقای هانری ماسه در کتاب خود راجع به : اعتقادات و عادات ایرانی ، به زبان ساده و ادبی فرانسه ترجمه کرده و برای اولین بار بدنیاً معرفی نموده است) (۱) .

واضح است چنین مجموعهٔ مختصری ، با وجود استعداد سرشار ایرانیان برای جل موزون و سرود و الحان ، چنانکه در امثال ، ترانه های بچگانه ، قصه ها ، متلکها و افسانه های فارسی نیز نظیر آن بحد وفور مشاهده میشود ؛ از بسیار یکی و هزار اندکی بشمار نمرود . تحقیق راجع به هر کدام از اینها بجای خود بی اندازه مهم و قابل توجه میباشد ، ولی اینکار بدست توده شناسی سپرده شده است . - در این زمینه هنوز سرچشمهٔ بکری برای ایران وجود دارد که تا کنون دست نخورده مانده است ؛ و هرگاه در جمع آوری دقیق و علمی آن مسامحه شود ، بیم آن میرود که آنچه هنوز باقیمانده است به زودی فراموش شده و بکلی از بین برود .



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حماسه نمونهٔ ابتدائی شعر است ، موضوع آن ، عموماً شرح گیر و دار های رزمی بمناسبت بازگشت پهلوان ، رئیس قبیله ، سرباز و یا يك نفر از اهالی شهر بوطن خود می باشد . یا ترانه های غم انگیزی است که در عزای پهلوان کشته شده ، اشخاص مخصوصی میخوانند و نوحه سرائی میکنند . متأسفانه از نمونه جدید این قبیل ترانه ها بفارسی بر که ای در دست نداریم ؛ ولی بطور یقین در نزد قبایل و ایلات وجود داشته است . فردوسی در چندین جا اشاره بچکامه سرایانی میکند که بمناسبت موقع فی البدیهه اشعاری سروده و بهمراهی آن چنگ مینوازند .

(۱) H. Massé, Croyances et Coutumes Persanes, Paris 1938 .

Tome II p 491 .

مثلاً در ضمن حکایت: « رفتن بهرام گور به نخچیر و خواستن دختر برزین دهقان»

یکی چامه گوی و دگر چنگ زن ، سوم پای کوبد شکن بر شکن ؛

بتان چامه و چنگ بر ساختند ، یکایک دل از غم بپرداختند .. الخ (۱)

جای دیگر : « در کشتن بهرام شیران را و رفتنش بخانه گوهر فروش و

خواستن دختر او را . »

بدو گفت : بنشین و بردار چنگ ، یکی چامه باید مرا بی درنگ ... (۲)

در بلوچستان نیز مداحانی معروف به «شاعر» وجود دارند که سابقاً در هنگام

کامیابی یا ظفر سران قبیله و یا اشخاص معروف دعوت میشده اند ، و اشعاری فی البدیهه

سروده بهمراهی آلات موسیقی مخصوصی موسوم به : «غزک» میخوانده اند .

در مراسم سوگواری نیز در کوه کیلویه زنهایی هستند که تصنیف های خیلی

قدیمی را با آهنگ غمناکی بمناسبت مجلس عزای میخوانند ، و ندبه و مویه میکنند . این

عمل را سوسیوش (سوگ سیاوش) مینامند . نظیر همین در جزیره کرس بتوسط زنهای انجام

میگیرد که Voceri نامیده میشوند . این زنهای اشعاری میخوانند که فی البدیهه نیست و

قبلاً وجود دارد ، گرام بمناسبت موقع تغییر میدهند . عادت مزبور نزد یونانیان نیز

معمول است . (۳)

لحن ترانه هائی که بمنظور کمدی ساخته شده ، با طراوت و تازگی مخصوصی

است ، و موضوع طوری بهم افتاده که باعث تفریح میشود . این ترانه ها عموماً توصیفی

میباشند و گاهی بصورت قصه برای بچه ها نقل میشود :

یکی بود ، یکی نبود ،

سر گنبد کبود ، پیرزنیکه نشسه بود ؛

اسبه عزاری می کرد ، خره خراطی میکرد ،

سکه قصابی می کرد ، گربه بقالی می کرد ،

(۱) شاهنامه فردوسی - جلد هفتم ، تصحیح آقای سعید نفیسی - ص ۲۱۶۳ . (۲) ص ۲۱۷۱ .

(۳) Encyclopédie de la Musique دیده شود .

شتره نمد مالی میکرد .

پشه رقاصی می کرد ، کار تونه بمبازی میکرد ،
 موشه ماسوره میکرد ، مادر موش ناله می کرد ؛
 فیل اومد به تماشا ، پاش سرید به حوضشا ،
 افتاد و دندونش شیکس .

گف: « ننه جون دندونکم ، از درد دندون دلکم ،
 « اوسای دلاک را بگو ، مرد نظر پاک را بگو ،
 تا بکشه دندونکم . »

این ترانه ها عموماً خیلی قدیمی است . موضوع و لحن آنها اغلب تغییر
 میکند ، حتی نظیر مضمون بعضی از آنها عیناً در نزد سایر ملل نیز مشاهده میگردد .
 مثلاً ترانه مشهور : « آب اومد ، آب اومد ، - کدوم آب ؟

« همون که تش خاموش کرد ، - کدوم تش ؟ .. الخ (۱) . »

شبهه این مضمون بزبان ارمنی قدیمی نیز وجود دارد :

« کی بره را خورده ؟ - گر که خورده ،

« کی گر که را خورده ؟ - خرسه خورده .. الخ (۲) »

بعضی اوقات متلها و یا ترانه های عامیانه ای وجود داشته که بعد اشخاص بی

استعداد آنها را برشته نظم درآورده اند ، مانند قصه « شنگل و منگل » و یا « خاله سوسگه »

برخی از این ترانه ها بی اندازه کهنه ، و با وجود اینکه در سرتاسر کشور

رواج دارد مضمون و زبان خود را حفظ نموده است :

خورشید خانوم آفتوکن ، یه مش برنج تو آوکن ،
 ما بچه های گرگیم ، از سر مائی بمردیم .

خورشید در افسانه های اغلب ملل مؤنث است (۱). نزد اسلاو ها « مادر خورشید سرخ » نامیده میشود، و عین افسانه ایرانی نزد ارمنی ها نیز وجود دارد. و یا این ترانه که در ضمن قصه پسرکی که به تحریک زن با با، پدرش او را می کشد و بلبل میشود، تکرار شده است. در زبان های: آلمانی، فرانسه، ایرلندی و انگلیسی عین این ترانه موجود است :



منم منم بلبل سر گشته ، از کوه و کمر بر گشته ،
مادر نا بکار ، مرا گشته ، پدر نا مرد ، مرا خورده ،

خواهر دلسوز .

استخوانهای مرا با هفتا گلاب شسه ، زیر درخت گل چال کرده ؛
منم شدم یه بلبل ، پر . . . پر . . . (۲)

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱) نیرنگستان ص ۱۲۵ .

(۲) ترجمه انگلیسی این قصه در Lorimer ، Persian Tales, p89 و کتاب برادران گریم Grimm دیده شود . متن اسکاتلندی ترانه بالا بقرار ذیل است :

Song of the Phoenix :

Pew , pew , my Minnie me slew, my daddie he chew,
My twa little sisters they pickit my banes,
And put them between twa milk-white stanes :
And they grew and grew to a milk-white doo,
And it took to its wings and away it flew.

F. T. Corrie , «The Times» 28/7/38 .

مباحث عاشقانه سبک عالی تری دارد. مثلاً ارزش ادبی و مضمون شاعرانه و دلفریب این ترانه معمولی و مشهور بقدری گیرنده و دلرباست، که میتواند با بهترین غزل شعرای بزرگ همسری بکند:

دیشب که بارون اومد ،	یارم لب بون اومد ،
رفتم لبش بسبوسم ،	نازک بود و خون اومد ،
خونش چکید تو باغچه ،	یه دسه گل در اومد ؛
رفتم گلش بچینم ،	پر پر شد و هوا رفت ،
رفتم پر پر بگیرم ،	کفتر شد و هوا رفت ،
رفتم کفتر بگیرم ،	آهو شد و صحرا رفت ،
رفتم آهو بگیرم ،	ماهی شد و دریا رفت .



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چیزی که غریب است، این ترانه در اغلب زبانها وجود دارد. در فرانسه معروف به *Chanson des Métamorphoses* است که بر اساس موضوع ابدی تعاقب و فرار معشوقه میباشد. برگه آنرا محققین در قدیمترین اشعار سانسکریت پیدا کرده اند، و شاعر معروف فرانسوی میسترال (*Mistral*) همین مضمون را در *Chanson de Magali* پرورانیده است. در این ترانه معشوقه عاشق را تهدید میکند که به صورت آهو، ماهی، گل سرخ و ستاره در بیاید. حتی میتوان گفت که ترانه فارسی با فکر لطیف تری درست شده؛ زیرا عاشق خود را فقط به یادگار شاعرانه معشوقه راضی میکند و آنرا دنبال مینماید، ولی چیزی در دستش نمیماند.

ترانه‌های عاشقانه عموماً لطیف و غم‌انگیز میباشند، در ترانه‌های مغازله ای و احساساتی موسیقی مقام مهمی را عهده‌دار است :

ای ماه بلند در هوائی !

منم ستاره میشم دورت رو میگیرم ،	تو که ماه بلند در هوائی ،
منم ابری میشم رو تو میگیرم ،	تو که ستاره میشی دورم رو میگیری ،
منم بارون میشم تن تن میبارم ،	تو که ابری میشی رومو میگیری ،
منم سبزه میشم سر در میارم ،	تو که بارون میشی تن تن میباری ،
منم بزی میشم سر تو می خورم ،	تو که سبزه میشی سر در میاری ،
منم قصاب میشم سر تو می برم ،	تو که بزی میشی سر مو می خوری ،
منم پشم میشم میرم تو شیشه ،	تو که قصاب میشی سر مو می بری ،
منم پنبه میشم در تو می گیرم ،	تو که پشم میشی میری تو شیشه ،
منم دشت میشم تو اطاق می افتم ،	تو که پنبه میشی در مو می گیری ،
منم عروس میشم رویت می شینم ،	تو که دشت میشی تو اطاق می افتی ،
منم دو ماد میشم پهلو تو می شینم ،	تو که عروس میشی رویم میشینی ،
منم یکنه میشم درها رو می بندم .	تو که دو ماد میشی پهلو تو می شینی ،

رساله مجمع علوم انسانی

شب که میشه من و یار ، روز که میشه من و یار ،

رو میکنیم بدیوار ؛

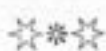
زار و زار و زار کریم ، بی اختیار کریم ؛

از فراق یار جونی ، چون ابر باهاز کریم .





ترا میخوام ، چرا نخوام ؟	پیر هنت چیت گلیبه ،
ترا میخوام ، چرا نخوام ؟	بدات مر و اریه ،
جانم خوب کردی ،	سخ با ما همچی کردی ؟
جانم خوب کردی .	زلفاتو قیچی کردی ؟



حبیبم اگه خوابه طبیبم نیومد ؛	امشب شب مهتابه ، حبیبم نیومد ،
مست است و هشیارش کنید ،	خواب است و بیدارش کنید ،
اون یار جوننی او مده ،	بگوئید : « فلونی او مده ،

حالتو احوالتو پیرسه و بره .»



نظار بر دوست و دشمن میکنم من ، یار جوننی ،	بلند سیر عالم می کنم من ، یار جوننی ،
که فردا درد سر کم میکنم من یار جوننی ،	یکی شب دیگر ما را نگهدار یار جوننی ،
سر دو دو میرم خونه فلونی یار جوننی ،	بقربونت میرم تو که نمیدونی ،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
صدای فی میداد ، ناله جووننی ،
رتبال جامع علوم انسانی ازین گوشه لبات کن منزل من ، یار جوننی . (۱)



دختر و نون میپزی ، نونی بمن ده ،
مییون نون پختنت بوسی بمن ده ، دوی بلال ،
دویه دویه جونم دوی بلال ،
خود گل و نومت گل و گل تو دماغت (۲) ، دوی بلال ،
من بشم بلبل بگردم درر باغت ، دوی بلال ،

(۱) ترانه جهرمی (۲) گویا مقصود شکوفه ایست که زنهای ایلات در پره بینی میگذارند .

دویه دویه جونم دوی بلال ،
برده ای ایمونم دوی بلال ،

دختر و دسم گرفت بردم تو دالون ، دوی بلال ،

گفتمش : « بوسی بمن ده » گفت : « برو نادون » دوی بلال .

دویه دویه جونم دوی بلال ،
برده ای ایمونم دوی بلال (۱) .



می دس دس تزن ، دسبند طلا بی ،
می دس دس تزن مال ریکا بی ؛

زبیده حالا لا بنداز مارو خوبیته ،
زبیده یارو بیته ،

وی چشمی رو برو بیته ،
همین ماه تو بیته ،

زبیده تی چشمه قربون ، مارو خوبیته . (۲)

ترانه هائی که مربوط به زنا شوئی و یا بمناسبت روابط زن با خانواده شوهر

سروده شده اغلب لحن زننده و مضحکی دارد :

عروس میبریم کوچه کوچه ،
واسش میپزیم آش آلوچه ؛

کوچه تنگه؟ بله، عروس قشنگه؟ بله،
دس بزلفاش تزیین مرواری بنده؟ بله .



کالسکه سر طلا ،
توش نشسه قرص ماه ،

آقا جونیم پیشکش کن ،
گل میداد خونه شما . (۳)

ای خدا سوخته جونم ،
از این فرش طاقت ،

از این بلبل باغت ،
از این شم چراغت ،

از این نیم تنه فاقت ،
از این چشمای زاغت ،

از این وسمه سیرت ،
از این لب های زبرت ؛

از این نیم تنه تافتت ،
از این کفش شلختت ،

از این تنبون آهاری ،
چطو رفتی تو بخاری ؟

مکه خدای نخواستہ ، حاجی شما رو نخواستہ ؟
اگہ حاجی کورہ و مورہ ، جیبش پر پول و مولہ .

ننہ رشید خان ، داغت رو نبینہ سلطان ،
این اطاق کچکاری ، نہ فرش دارہ نہ قالی ،

جای رشیدم خالی .

اسب رشید و جو دادم ، دور قلعه دو دادم ،
رشید خانم چه مرده ، سوار اسب زرده ،
تیر و تفنگ می بنده ، با صد سوار می جنگہ .



ترانہ هائی کہ مربوط بہ عروسی یا جشن نوروز است بسیار زیاد و در هر
شہر و دہکدہ ای بزبان محلی وجود دارد . نزد ایلات با رقص و ساز توأم می باشد .
اولین آوازی کہ بگوش بچہ میخورد لالائی «Berceuses» است . آہنگ
آن اغلب یکنواخت و خواب آور میباشد . در زبانهای بومی بطور مختلف وجود دارد .

موسیقی دانهای اروپا اغلب قطعات قابل توجهی از لالائی ساخته اند. در اینجا چند نمونه از لالائی ایرانی که البته خیلی ناقص است مینگاریم:

لا لا لا گل پونه ، گدا اومد در خونه ،
نوش دادیم ، خوشش اومد ، خودش رفت و سگش اومد ،
چخش کردیم بدش اومد .

لا لا لا گل خشخاش ، بابات رفته خدا همراهش ،
لا لا لا گل فندق ، ننه ات اومد سر صندوق ،
لا لا لا گل گردو ، بابات رفته توی اردو ،
لا لا لا گل پسه ، بابات رفته کمر پسه ،
لا لا لا گل سوسن ، بابام اومد چشم روشن ،
لا لا لا گل زیره ، چرا خوابت نمی گیره ،

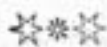
که مادر قرونوت میره؟

لا لا لا نموت باد ، مو قربون جونت باد ،
بابو بنده غلومت باد ، بابو خیرون نموت باد. (۱)

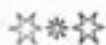
لا لا لا که لالات میکنم من ، نکا بر اقد و بالات میکنم من ،
لا لا لا که لالات بی بلا بود ، نگهدار شب و روزت خدا بود .

لا لا لا جانمی ، امشب تو مهمانمی ،
میخوام پیام خونتون ، از سکت تون میترسم ،
اسم سگم براقه ، جاش گوشه اطاقه .

(۱) از مقاله دکتر بیلی H.W. Baily در B.S.O.S. جلد هشتم قسمت ۲ و ۳



برو لو لوی صحرائی ، تو از بچه چه میخواهی ؟
 که این بچه پدر داره ، دو قرآن زیر سر داره ،
 دو شمشیر بر کمر داره .



لالائیت میکنم با دس پیری ، که دس مادر پیری بگیری ؛
 لالائیت میکنم خوابت نمیاد ، بزرگت میکنم یادت نمیاد (۱) .



لالا لالا عزیز الله ، قلم دس گیر برو ملا ؛
 بخون جزو کلام الله .



لالا لالا گل نسری (۲) ، کوچم کردی درو بسی ،
 منم رفتم بخا کبازی ؛ دو تا هندو مرا دیدن ،
 مرا بردن به هندسون .

بصد نازی بزرگم کرد ، بصد عشقی عروسم کرد ،
 پسر دارم ملک جمشید ، دختر دارم ملک خورشید ؛
 ملک جمشید بشکاره ، ملک خورشید بگهواره ؛
 بگهوارش سه مرواری ، کمر بندش طلا کاری .
 بیا دایه ، برو دایه ، بیار این تشت و آفتابه ،
 بشور این روی مهپاره ، که مهپاره خدا داده .

(دنباله دارد .)

ص . هدایت

(۱) لالائی شیرازی از کتاب ژوکووسکی ص ۱۶۲ . (۲) گل نسری .

